

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۱۸ نومبر ۲۰۱۱

مارکسیسم، لنینیسم، اندیشه مائوتسه دون

مارکسیسم، لنینیسم، اندیشه مائوتسه دون، علم قوانین و تکامل طبیعت و جامعه، علم انقلاب توده های تحت ستم و استثمار، علم پیروزی سوسیالیسم در سرتاسر گیتی و ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم است. مارکسیسم محصول انقلابی عظیم در تاریخ تکامل تفکر اجتماعی است. آموزش مارکس و انگلس به پرسش هایی که بشریت مترقی طرح کرده بود ولی موفق به حل آنها نگشته بود، پاسخ داد. منابع تیوریک آموزش مارکس و انگلس، فلسفه المان قرن ۱۸ و آغاز قرن ۱۹ میلادی، اقتصاد سیاسی انگلستان و سوسیالیسم تخیلی فرانسه است. مارکسیسم بیان منافع و مبارزه طبقاتی پرولتاریا، این انقلابی ترین طبقه عصر ماست.

اجزای تشکیل دهنده آموزش مارکس و انگلس عبارتند از: فلسفه مارکسیستی، تیوری شیوه های تولیدی و به ویژه تیوری شیوه تولید سرمایه داری و تیوری انقلاب پرولتاریائی.

ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی پایه تیوریک مارکسیسم را تشکیل می دهند. اختلاف اساسی و رادیکال بین فلسفه مارکسیستی و تمام سیستم های فلسفی ماقبل مارکسیسم، توسط مارکس در "تذ هائی در باره فوئرباخ" چنین بیان شده است: "فلاسفه فقط به انحاء مختلف جهان را توضیح داده اند، ولی سخن بر سر تغییر آن است."^۱ ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی سلاح تیوریک و نیرومندی در مبارزه برای تغییر انقلابی جامعه و جهان می باشد.

مارکس و انگلس، بر اساس نقد بر فلسفه کهن و استفاده از تمام جنبه های با ارزش و مترقی آن، یگانه برداشت علمی از جهان را عرضه نمودند. جوهر مارکسیسم، دیالکتیک ماتریالیستی است. پایه گذاران سوسیالیسم علمی با استفاده از این شیوه تفکر، ماتریالیسم فلسفی را از محدودیت متافیزیکی و مکانیستی خود خارج ساختند و ماتریالیسم را به شکل عالیتری، یعنی به ماتریالیسم دیالکتیک ارتقاء دادند. مارکس و انگلس اصول ماتریالیسم دیالکتیک را در مطالعه جامعه انسانی به کار بستند و بدین ترتیب ماتریالیسم تاریخی را به وجود آوردند.

^۱ - مارکس: "تذ هائی در باره فوئرباخ"

مارکس و انگلس، بر خلاف تیوری های ایده آلیستی پیشین که افکار و عقل را اساس تکامل اجتماعی می پنداشتند، نشان دادند که رژیم اقتصادی اساس واقعی است که بر روی آن تمام روبنای سیاسی و ایدئولوژیک بر پا می شود. آنها نشان دادند که نیروی محرک تاریخ و رشد جوامع طبقاتی مبارزه طبقاتی است.

مارکس و انگلس، با استفاده از ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی، تیوری شیوه های تولیدی و از جمله تیوری شیوه تولید سرمایه داری را تدوین کردند. عمده ترین اثر مارکس، "سرمایه" (کاپیتال)، به تحلیل از جامعه سرمایه داری اختصاص دارد. آنجائی که اقتصاددانان بورژوا تنها مناسبات میان اشیاء را (یعنی مبادله کالا در مقابل کالا) را می دیدند، مارکس مناسبات میان افراد بشر را کشف نمود. در تیوری اضافه ارزش خود، مارکس منبع سود و ثروت طبقه سرمایه دار را آشکار ساخت. لنین می گوید: "آنین مربوط به اضافه ارزش بنیان تیوری اقتصاد سرمایه درای است."²

مارکس با تحلیل علمی شیوه تولید سرمایه داری نشان داد که انقراض سرمایه داری و پیروزی کمونیسم امری است ضروری و محتوم. مارکس و انگلس تیوری انقلاب پرولتاریائی را پایه گذاری کردند و سوسیالیسم را به علم تبدیل نمودند. آنها نسخه های اجتماعی ایده آلیستی سوسیالیست های تخیلی را به باد انتقاد گرفته، نقش و رسالت تاریخی پرولتاریا را آشکار ساختند. آنها تیوری انقلاب و دیکتاتوری پرولتاریا را در جریان پراتیک انقلابی جنبش کارگری بین المللی و بالاخص قیام "کمون پاریس" و به ویژه در جریان شرکت مستقیم خود در مبارزه طبقاتی پرولتاریا و متشکل ساختن وی در سازمان های کارگری و کمونیستی و از جمله در "انترناسیونال اول" (بین الملل اول) تدوین نمودند. مسأله اساسی در مارکسیسم، تیوری انقلاب پرولتاریائی و دیکتاتوری پرولتاریا است.

مارکس و انگلس در باره ساختمان سوسیالیسم و قانونمندی های اساسی آن، تز های داهیانۀ ارائه دادند، مارکس برای اولین بار خاطر نشان ساخت که "بین جامعه سرمایه داری و جامعه کمونیستی، دوران تاریخی تبدیل اولی به دومی قرار دارد، و دولت این دوران هیچ چیز نیست جز دیکتاتوری پرولتاریا"³

پس از مرگ مارکس و انگلس، لنین دکترین آنها را بر پایه تجربیات نوین و در شرایط مبارزه طبقه کارگر در روسیه و در سطح جهان و در مرحله سرمایه داری محض، در عصر امپریالیسم و آستانه انقلاب سوسیالیستی، رشد و ارتقاء داد.

لنینیسم، مارکسیسم دوران امپریالیسم و انقلابات پرولتاریائی است. پس به اتکاء مارکسیسم و با جمع بندی از پراتیک جنبش پرولتاریائی بین المللی و به ویژه جنبش انقلابی و کارگری روسیه، تیوری مارکس و انگلس را در زمینه های مختلف و از جمله در زمینه تیوری حزب طبقه کارگر، تاکتیک و ستراتیژی مبارزه "طبقه کارگر در مرحله انقلاب دموکراتیک، تاکتیک و ستراتیژی انقلاب پرولتاریائی... بسط و تکامل داد. لنین همچنین در عرصه فلسفه پرولتاریا، اقتصاد و سیاست در سیستم سوسیالیسم، مبانی دولت و دیکتاتوری پرولتاریا، اسلوب و سبک کار مارکسیستی و غیره، مارکسیسم را به مرحله عالی تری از تکامل ارتقاء بخشید.

لنین در طول فعالیت انقلابی خود، نبرد خستگی ناپذیری علیه کلیه انحرافات غیر مارکسیستی، اپورتونیستی و رویزیونیستی و در راه دفاع از روح انقلابی مارکسیسم و تحقق آرمان سوسیالیسم به پیش برد. لنین برای اولین بار در تیوری و عمل نشان داد که مبارزه علیه بورژوازی و امپریالیسم از مبارزه علیه اپورتونیسم و رویزیونیسم جدا

²- لنین: "سه منبع و سه جزء مارکسیسم"

³- مارکس: "نقد بر برنامه گوتا"

نبوده و وفاداری به مارکسیسم بدون مبارزه بی امان برای طرد کامل رویونیسم از جنبش کارگری حرف پوچی بیش نیست.

حزب بلشویک روسیه و در رأس آن لنین، با انجام اولین انقلاب پیروزمند سوسیالیستی در جهان، یعنی انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷، شعار و پیش بینی های داهیانۀ مارکس و انگلس یعنی بنای سوسیالیسم و ایجاد دیکتاتوری پرولتاریا را صورت تحقق و واقعیت بخشید.

پس از لنین، استالین قاطعانه به دفاع از مبانی لنینیسم و پاسداری از احکام جهان شمول آن پرداخت. استالین مبارزه تاریخی عظیمی را علیه دشمنان لنینیسم در داخل و خارج حزب، علیه نظرات ضد انقلابی راست و "چپ" و به ویژه علیه جریان ضد انقلابی و ضد مارکسیستی "تروتسکیسم" به پیش برد. او علی رغم برخی نارسائی ها و اشتباهاتی که ناشی از عدم درک پروسه بخرنج مبارزات طبقاتی طولانی در جامعه سوسیالیستی بود، مبارزه سهمگین و دشواری را برای حفظ و تحکیم اولین دولت سوسیالیستی جهان و ساختمان سوسیالیسم رهبری نمود. او دشمن آشتی ناپذیر امپریالیسم و ارتجاع بین المللی بود. پیروزی و غلبه بر فاشیسم در جریان جنگ جهانی دوم توسط حزب کمونیست بلشویک روسیه و در رأس آن استالین و پیدایش اردوگاه نیرومند سوسیالیستی، سهم عظیمی بود که استالین به جنبش کمونیستی بین المللی به جنبش آزادیخواهانه و استقلال طلبانۀ جهان و همچنین به تمامی بشریت مترقی ادا نمود.

دفاع از استالین به مثابه یک کمونیست کبیر، پشتیبانی قاطع از مبارزه خستگی ناپذیر او و حزب کمونیست اتحاد شوروی در دفاع از سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا در مقابل حملات خصمانه و ضد کمونیستی نیرو های ضد انقلابی از قماش رویونیست های مدرن و تروتسکیست ها و آموزش از تجارب مثبت و منفی ساختمان سوسیالیسم در شوروی تحت رهبری استالین، وظیفه تخطی ناپذیر جنبش کمونیستی بین المللی است.

مانوتسه دون پیشوا و آموزگار بزرگ پرولتاریا و خلق های ستمدیده جهان و بزرگ ترین مارکسیست عصر ما است. مانوتسه دون بنیان گذار و رهبر حزب کمونیست چین، طی بیش از نیم قرن مبارزه خستگی ناپذیر، خلق چین را در جریان سخت ترین آزمایش های تاریخی و بزرگترین پیکار های انقلابی با روشن بینی و درایت یک مارکسیست لنینیست کبیر از یک پیروزی به پیروزی دیگر رهنمون ساخت. مانوتسه دون با تلفیق خلاق مارکسیسم لنینیسم با پراتیک مشخص انقلاب چین، خلق کبیر چین را در جریان بزرگترین و طولانی ترین جنگ انقلابی در راه بر انداختن سلطه ارتجاعی امپریالیسم، فیودالیسم، و سرمایه داری بوروکراتیک و تأسیس "جمهوری توده ای چین"، پیروزمندانه هدایت کرد. او مشی انقلاب دموکراتیک نوین و ستراتیژی و تاکتیک انقلاب در کشور های مستعمره و نیمه مستعمره را تدوین نمود. پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین چین تحت رهبری مانوتسه دون اوضاع شرق و جهان را دگرگون ساخته، راه نوینی را در برابر آرمان رهائیبخش ملل و خلق های تحت ستم گشود.

مانوتسه دون با انطباق خلاق مارکسیسم بر مسایل انقلابی دوران ما، مارکسیسم لنینیسم و به طور کلی تیوری سوسیالیستی علمی را بسط و تکامل بخشیده و به مرحله عالی تری ارتقاء داده است. مانوتسه دون در زمینه های مختلف و از جمله در زمینه فلسفه دیالکتیک پرولتاریا، اقتصاد در جوامع وابسته به امپریالیسم و اقتصاد سوسیالیستی، تیوری حزب کمونیست و تاکتیک و ستراتیژی انقلاب در کشور های تحت سلطه امپریالیسم، سبک کار، اسلوب و شیوه های رهبری کمونیستی و خط مشی توده ئی، و به ویژه در زمینه تیوری انقلاب در دوران گذار از سوسیالیسم به کمونیسم، مارکسیسم لنینیسم را تکامل و غنا بخشید.

در طی دوران انقلاب سوسیالیستی، مائو تراز بندی کاملی از تجربه مثبت و منفی جنبش کمونیستی بین المللی و به ویژه ساختمان سوسیالیسم در شوروی در زمان حیات استالین، و احیای سرمایه داری در این کشور پس از مرگ استالین تدوین نمود. او مناسبات طبقاتی در جامعه سوسیالیستی را مورد تجزیه و تحلیل عمیق قرار داده، این نظریه را که در جامعه سوسیالیستی طبقات و مبارزه طبقاتی حتی پس از عملی شدن دگرگونی سوسیالیستی سیستم مالکیت و اسباب تولیدی برای مدت ها همچنان وجود داشته و خواهد داشت و از خلال مبارزه میان دو مشی در درون حزب منعکس می گردد، برای اولین بار در تاریخ به طرز صریح و سیستماتیک ارائه داد. بر این اساس، مائوتسه دون تیوری داهیانة ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا را عرضه کرده، مشی اساسی حزب کمونیست را برای سراسر دوران تاریخی سوسیالیسم تعریف نموده است.

مائوتسه دون مبارزه عظیم و تاریخ ساز را در دفاع از اصول انقلابی مارکسیسم علیه رویزیونیسم مدرن که در مرکز آن دار و دسته خاین رویزیونیست "حزب کمونیست شوروی" قرار داشت، برپا ساخت. حفظ سوسیالیسم و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا در چین، انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریائی و آموزش های مربوط به حفظ و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا در برابر غلبه رویزیونیسم و رجعت سرمایه داری از خدمات عظیم مائو به آرمان انقلاب، سوسیالیسم علمی، به پرولتاریا و خلق های جهان، و دستاورد های گرانقدری است در غنای گنجینه تیوریک مارکسیسم و در تکامل آن.

امروز، مارکسیسم، لنینیسم، اندیشه مائوتسه دون، سلاح نیرومند پرولتاریا و خلق های جهان در مبارزه علیه ارتجاع، امپریالیسم، سوسیال امپریالیسم و رویزیونیسم مدرن است. اندیشه مائوتسه دون همچون مشعل فروزان و روشنی پرتو افکن راه پرولتاریا و خلق های جهان در پیکار تاریخی برای نیل به کمونیسم است. اندیشه مائوتسه دون پرچم تمایز میان مارکسیسم، لنینیسم واقعی و "مارکسیسم، لنینیسم" کاذب، میان مارکسیسم، لنینیسم و کلیه جریانات التقاطی، غیر مارکسیستی، رویزیونیستی و تروتسکیستی است.

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم